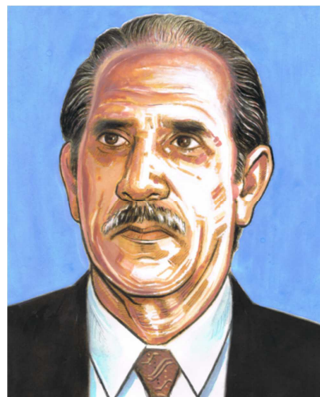


# وظیفه سازمان ملل متحد است؛ مسئولان ناامنی ها و

## بحران آفرینی های اقتصادی جهان

### (امریکا و انگلیس)

#### را محاکمه کند



پروفسور هاله (استرالیا)

لارد فاکنر، دوست سابقه دار تونی بلر، نخست وزیر پیشین انگلستان، هلاری کلنتون و دانالد ترمپ، دو کاندید ریاست جمهوری امریکا، درین اواخر ادعا نموده اند که تعرض نظامی متجاوزانه بر کشور عراق امری نادرست بود. به این معنی که کشور بریتانیا بر مبنای اطلاعات استخبارات خارجی خود (M16) که گویا عراق اسلحه ویران سازی گسترده از قبیل اسلحه کیمیاوی و بیولوژیکی در اختیار داشته و هم از توان ساختن اسلحه ذروی بر خوردار است- در حالیکه خود شان و کشور های آله دست منظوقی شان سلاح های تخریبی به مراتب خطرناکتر و به پیمانہ بیشتر را در اختیار داشتند. نخست وزیر آن کشور، تونی بلر، رئیس جمهور بی بینش و عاقبت نا اندیش امریکا (جرج بوش) را اغوا نموده هردو بصورت یکجایی خود ها را بر مبنای قانون جنگل (زور حق است) به جای سازمان ملل متحد قرار داده به شکل تروریسم دولتی بر کشور مستقل عراق، خلاف منشور ملل متحد به تجاوز نظامی دست یازیدند. مگر پس از مدت کوتاهی بی پایه و بی مایه یعنی به کلی نادرست از آب بدر آمدن اطلاعات دستگاه استخبارات بریتانیا طشت رسوایی بیتانیا و امریکا از بام به زیر افتاد.

قرار ادعای دونالد ترمپ از میان بر داشتن دو دکتاتور (صدام حسین و قذافی) توسط امریکا، بریتانیا و فرانسه به جای دموکراسی وعده شده در عراق و لیبیامنافقانه انارشی را به میان آوردند که منجر به نا امنی جهان شمول امروزی گردید. چنانچه با پیوستن نظامیان کارکشته و عقده مند آن دو دکتاتور به خاطر انتقام خون رهبران کشور های شان با ترورستان، کار آبی دهشت افگنی آنها بالا گرفت. همچنان از میان برداشتن رژیم تبعیضی سنی در عراق و جاگزینی آن با رژیم تبعیضی شیعه و ایجاد مثلث شیعه عراق+سوریه + حزب الله لبنان و شاخ به شاخ ساختن پیروان متعصب این دو مذهب زمینه فراهم آوری باند تبه کار داعش را مساعد گردانیدند.

در حالیکه لازم بود که بلیر نخست مسئولان دستگاه استخباراتی کشور خود را به خاطر نا درستی اطلاعات پیشکش کرده آنان سر زنش قانونی نموده سپس خودش از بابت فریب خورده گی از اطلاعات واهی به گونه ویلبرانت، نخست وزیر پیشین جرمنی ( که به اثر بی خبری از موجودیت یک ایجنت خانم کا جی بی در دفترش خود را شایسته مقام نخست وزیری ندانسته از وظیفه خود استعفا داد) به بی کفایتی سیاسی خود اعتراف نموده شرافتمندانه استعفا می داد. در نتیجه حیثیت از دست رفته حزب کارگر و کشور

بریتانیا به خاطر تجاوز بی جا را اعاده می نمود . مگر از آنجایی که از آن تجاوز نظامی دو هدف بریتانیا برآورده شده بود، نخست سقوط صدام حسین که نفت کشور خود را ملی ساخته و بریتانیا را بی بهره گردانیده بود، و دوم سرزنش آمریکا که پس از پایان یابی جنگ جهانی دوم، و افول ستاره قدرت استعماری بریتانیا هر مستعمره آمریکا را به مجرد استناد عای استقلال به رسمیت شناخته و بریتانیا را از ابر قدرتی برانداخته و خود را جا گزین آن ساخته بود. بلیر خود را مستحق پاداش نه ، بلکه جزا می دانست. واقعاً کشوری که از آن تجاوز نظامی بهره برداری کرد بریتانیا و کشورهای دیگر که از آن تجاوز نظامی بهره برداری کرد بریتانیا شریک تجاوزش در نیمه راه بی ثباتی، نا امنی و تباهی دوامدار گردید و در درجه دوم آمریکا بود که در جنگ تنها ماند ( بریتانیا شریک تجاوزش در نیمه راه عساکر خود را از عراق بیرون کشید) و آمریکا به تنهایی بار کمر شکن مصارف نظامی را متحمل گردید.

امریکا با تعرض نظامی احساساتی دیگر بر افغانستان و تخطی از هدف ادعا کرده آن تعرض ( سرزنش القاعده و طالبان) خبط دیگری را مرتکب گردید . به این معنی که حملات تروریستی بر بُرجهای دوگانه مرکز تجارت بین المللی آمریکا در نیویورک و کمپلکس پننا گون ( وزارت دفاع) در واشنگتن را کار القاعده پنداشت. از آنجایی که رهبر القاعده اسامه بن لادن در افغانستان تحت حمایت رژیم نامنهاد طالبان به سر می برد، از آن رژیم تسلیم دهی او را تقاضا نمود. به اثر رد آن تقاضا از طرف رژیم طالبان به تعرض نظامی بر افغانستان مبادرت نمود. مگر با کمال تاسف با راندن القاعده و طالبان از افغانستان به پاکستان احساسات انتقام جویی آمریکا از القاعده و طالبان فروکش نموده در راه سر زنش مسلسل تروریستی ( القاعده، طالبان و آی اس آی) به نشانه عاملان ریخته شدن خون امریکایی های قربانی عمل تروریستی به اقدام بایسته متوسل نگردید. ازین امر میتوان چنان برداشت نمود که در واقعیت ار عامل اصلی آن عمل تروریستی نه آن مثلث تروریستی ذکر شده در بالا بلکه کدام حلقه مخفی در داخل خود آمریکا بوده است. در حالیکه ( CIA ) دستگاه استخبارات خارجی آمریکا و تمام نقاط جهان و ( FBI ) دستگاه استخبارات داخلی آن ( تمام 52 ایالت آمریکا را تحت پوشش نظارت و مراقبت دایمی خود قرار میدهند، چطور امکان دارد که چند تروریست خارجی در داخل آمریکا و آنهم در زیر حلق دو دستگاه عریض و طویل استخباراتی به چنان یک عمل تروریستی عظیم تباہ کننده و شر مانند آمریکا دست یازند. جای شگفتی در این است که حکومت آمریکا بر القاعده مشکوک تا چنان یک فاصله بعید لشکر کشی انتقامجویانه به عمل می آورد. مگر از خواب برده گی و بی کفایتی دو دستگاه استخبارات خود طرفه روی نموده سوی نآنها چپ نگاه هم نمی کند. ازین امر چنان برداشت میتوان کرد که دست کدام گروه خر پول گاو زور داخلی دخیل بوده است. قراریکه شنیده شده است، ادوارد سنودن بانی و گرداننده نشریه ویکیلیکس افشا کننده اسرار محرمانه نظامی و امنیتی آمریکا اسناد دست اندر کاران آن عمل تروریستی را هم در اختیار خود دارد. در غیر آن باید جورج بوش به خاطر بی کفایتی ، مسئولیت شناسی و خبط های تعرضات نظامی تباہی آور به حال آمریکا عراق و افغانستان مسئولان درجه یک هر دو دستگاه استخباراتی را تحت پیگرد قانونی قرار می داد و سپس خود از مقام ریاست جمهوری استعفا میداد.

دو لشکر کشی با ساز و برگ نظامی گسترده بر دو کشور مستقل (عراق و افغانستان) مصارف بسیار گزاف خارجی از توان پرداخت بودجه نظامی وزارت دفاع را در قبال داشت. پیشبرد آن جنگهای تحمیل کرده و فراهم آوری نیاز مندیهای لوژیستیکی آنها آمریکا را وا میدارد تنها از مصارف دیگر سکتور های دولتی بکاھد بلکه دست توسل را به سوی استقراض پولی دراز نماید. آنهمه مصارف گزاف، عامل کسر بودجه و بحران اقتصادی بی سابقه گردید. طبیعی است که تبعات بحران اقتصادی تک ابر قدرت تنها ی دنیا به خود آمریکا محدود و منحصر نمانده، تمام کشور های جهان را به سوی ابر بحرانی سوق داده که مهار کردن آن ( به اسانی و به زودی) از انتظار بعید می نماید.

مسئول این بحران اقتصادی جهان شمول در گام اول رهبران حکومت های دست داشته در تعرض نظامی بر عراق ( بلیر + بوش + جان هاورد) می باشند و در گام دومی کشور های سازمان دهنده گروه های تروریستی ( القاعده، طالبان، داعش ، بوکوحرام...) می باشند که نه تنها مسئول بحران اقتصادی بلکه نا امنی جهان شمول شناخته شده می شوند.

هرگاه ملل متحدی به معنی واقعی کلمه وجود دارد باید احساس مسئولیت نموده جبران کشور های مرتکب تروریسم دولتی و ایجاد گر گروه های تروریستی را به حیث مسئولان بحران اقتصادی و نا امنی شناخته در دادگاه بین المللی محاکمه نماید تا در آینده کدام رهبر زور گوی، نا عاقبت اندیش بازهم به صورت نا به جا و نا روا بر کدام کشور دیگری به تروریسم دولتی مبادرت نورزیده، موجبات تلفات جانی و مالی جهانی دیگری را فراهم نیارد.

همین رهبران کشور های غربی بودند که گروه های تروریستی را در کشور های اسلامی ایجاد کرده، سازمان دهی نموده، مسلح ساخته و علیه خود مسلمانان بسیج کردند. وقتیکه آن گروه های خونخوار ساخت فابریکه هژمونیک غربی هزاران مسلمان را به خاک و خون کشانند، کشور های غربی و سازمان ملل متحد با یک بی تفاوتی آشکار به تماشا نشستند. مگر که همین هیوه های

گوشتی تباهی آور از کنترل بیرون شده به گونه هیولای فلزی فرانکشتاین به جان خود ایجاد گران و به کاربران خود افتادند با کشته شدن چند نفر محدود خود شان فغان شان به آسمانها بلند گردید. متأسفانه غربی ها خلاف عقل و منطق ، به جای کشور های ایجاد کننده و به کاربرنده گروه های تروریستی ، بار ملامتی را بر دوش کشور های اسلامی می اندازند که در واقعیت امر آنها قربانی تروریسم بوده اند. این یک امر چون آفتاب روشن است که عامل ایجاد ابر گروه های تروریستی در کشور های اسلامی و به میان آمدن تروریست های انفرادی (Lone Wolves) و خُرده گروه های تروریستی در داخل آن کشور ها و عامل سرازیر شدن سیل مهاجرین کشور های شرق میانه ، شمال افریقا و افغانستان خود بنیان گذاران غربی گروه های تروریستی می باشند.

مسئول رویدادهای تروریستی اخیر در فرانسه حکومت های فرانسه بوده اند. چه حکومت قبلی فرانسه در برانداختن قذافی لیبیا را به یک نقطه نا امن و جایگاه رشد تروریستان قماش داعش میدل ساخت. و هم رئیس جمهور سوسیالیست موجوده آن با اجراءات نا عاقبت اندیشانه خودبه تروریستان اسلامی افراطی بهانه اقدام به عمل تروریستی را فراهم آورد. چه وقتیکه مسلمانان از نشر کاریکاتور پیامبر اسلام و توهین به اسلام به او شکایت بردند او این عمل مجله فکاهی شارلی هبدو را آزادی مطبوعات قلمداد نمود. وقتیکه چند تروریست اسلامی ازین امر استفاده نموده به صیغه دفاع از حیثیت پیامبر اسلام، مسئولان آن مجله را به جزای عمل اسلام دشمنانه شان رسانیدند. رئیس جمهور یک مظاهره یک میلیون نفری تحت شعار ( من شارلی هستم) را به طرفداری از منسوبان آن مجله به راه انداخت. بالوسیله منسوبان باقیمانده آن مجله از حمایت رئیس جمهور سوء استفاده کرده ، یکبار دیگر به نشر کاریکاتور های دیگری مبادرت ورزیدند. در نتیجه عقده های انتقام جویی از رئیس جمهور نا عاقبت اندیش در اذهان مسلمانان خونگرم افراطی بدر گردید. همان بود که به غرض تکاندن آن عقده ها در گرد و نواح سندیوم به اجرای اعمال تروریستی تراژیک بی سابقه مبادرت ورزیدند که رئیس جمهور جهت تماشای مسابقه میان کشور های فرانسه و جرمنی حضور به هم رسانده بود.

هرگاه کشور های غربی از تمویل و کاربرد گروه های تروریستی به اصطلاح اسلامی دست بر ندارند و از تحریکات ضد اسلامی گروه های خود شان جلوگیری نکنند، عکس العمل های گروه های احساساتی اسلامی روز تا روز حادثر گردیده شکل یک وبای اپیدمیک را خواهد گرفت. برای جلوگیری از رویدادهای دیگر تراژیک تروریستی بر شورای امنیت ملل متحد است که نه تنها بر مبنای پیشنهاد انتقامجویانه فرانسه علیه باند تروریستی داعش بلکه علیه تمام باند های تروریستی القاعده، طالبان، بوکوحرام، النصر.... ) و تمویل کننده گان و به کاربران غربی آنها به اقدامات جدی همه جانبه مبادرت ورزد. تا تنها خون فرانسوی ها با ارزش و از دیگران بی ارزش جلوه داده نشده باشد. و به کشور های فرانسه و روسیه گوشزدگردد که با آتش انتقامجویی از داعش تر و خشک را نسوزانند.

قابل یاد آوریست: در مظاهره افغانهای مقیم سیدنی علیه تقبیح رویداد تروریستی داعشی که منجر به بریدن سر هفت هزاره شیعه گردیده بود، بصورت خلاصه این شعار داده می شد: تروریستان در افغانستان جنایت، ارگ نشینان از آنها حمایت و هردو از باداران مشترک منطقوی و غربی اطاعت بازمانده های افغانهای ستم کش ازین عمل بربریت مسلمان نماهای ایمان فروخته و وجدان مرده به خداوند شکایت می کنند. زیرا از ناتوانی شورای امنیت ملل متحد در تامین و حفظ صلح عقل سلیم دارنده گان حق ویتوی تبعیضی پنج کشور را ملامت می کنند. زیرا آنها برای برآورده سازی اهداف پلید ضد انسانی شان از تامین صلح در جهان ممانعت می کنند.